



نیایش «به امید تو»

وی به ابد زنده و فرسوده ما

ای به ازل بوده و نابوده ما

قلمرو زبانی: ازل: زمان بی‌آغاز / ابد: زمان بی‌پایان / فرسوده: کهنه و پوسیده / قلمرو ادبی: قالب: مثنوی / وزن: مفتعلن مفتعلن فاعلن / تضاد:

بوده نابوده؛ ازل، ابد؛ زنده، فرسوده / جناس: ای، وی / واژه آرایه: ما / واج آرایه «ب»

بازگردانی: ای کسی که در ازل بوده و ما بنودیم و ای کسی که در ابد زنده خواهد بود و ما فرسوده خواهیم بود.

پیام: ازلی و ابدی بودن خدا و فناپذیری آدمیان

چون در تو، حلقه به گوش توایم

حلقه زن خانه به دوش توایم

قلمرو زبانی: دوش: شانه

قلمرو ادبی: حلقه زن: کنایه از یاری جستن / خانه به دوش: کنایه از بی‌خانمان و تهیدست / حلقه به گوش: کنایه از برده / واژه آرایه: تو، ایم،

حلقه / جناس: دوش، گوش / تشبیه: چون در تو / واج آرایه « = »

بازگردانی: ما آدمیان در یوزه گر بارگاه تو هستیم. ما انسان‌ها مانند دروازه آستان تو که حلقه دارد حلقه به گوش و برده تو ایم.

پیام: اقرار به نیازمندی همگان به یزدان

هم تو ببخشای و ببخش ای کریم

از بی‌توست این همه امید و بیم

قلمرو زبانی: از بی: به خاطر / بخشاییدن: آمرزیدن (بن‌ماضی: بخشا؛ بن‌مضارع: بخشود) / بخشیدن: ارزانی داشتن (بن‌ماضی: بخشید؛ بن‌مضارع:

بخش)

قلمرو ادبی: امید، بیم: تضاد / ببخشای، بخش: شبه اشتقاق / واژه آرایه: تو / واج آرایه «ب»

بازگردانی: این همه بیم از دوزخ و امید به بهشت به خاطر تو است. ما را بیمارز و به ما نعمت هایت را ارزانی بدار ای بخشنده.

پیام: بخشندگی یزدان

گر تو برانی، به که روی آوریم

چاره ما ساز که بی‌یاوریم

قلمرو زبانی: یاور: یاریگر / راندن: دور کردن / که: چه کس

قلمرو ادبی: روی آوردن: کنایه از توجه و درخواست کردن / به، که: جناس ناهمسان / که (حرف ربط)، که (چه کسی): جناس همسان
بازگردانی: ما یاری رسانی نداریم گرفتاری های ما را تو بگشا. اگر تو ما را از درگاهت برانی به چه کسی پناه ببریم.
پیام: درخواست یاری

چون خجلیم از سخن خام خویش هم تو بیامرز به انعام خویش

قلمرو زبانی: خجل: شرمنده / انعام: احسان، بخشش (شبه هم آوا: انعام: چهارپان)
قلمرو ادبی: حس آمیزی و استعاره: سخن خام / واژه آرای، ردیف: خویش / واج آرایی با (خ)
بازگردانی: من از سخنان نسنجیده خود شرمنده ایم. پس تو خودت از گناهان ما با احسان خودت در گذر.
پیام: درخواست آمرزش

پیش تو گر، بی سر و پای آمدیم هم به امید تو خدای آمدیم

قلمرو زبانی: پیش: نزد
قلمرو ادبی: بی سر و پا: کنایه از تهیدست و ناتوان / گر، سر: جناس / واژه آرای: آمدیم، تو
بازگردانی: اگر با ناتوانی و تهیدستی نزد تو آمده ایم به امید لطف تو آمده ایم.
پیام: امید به لطف خدای

یار شو، ای مونس غمخوارگان چاره کن ای چاره بیچارگان

قلمرو زبانی: مونس: همدم / غمخواره: دلسوز و مهربان / چاره کردن: درمان کردن / بیچاره: بدبخت
قلمرو ادبی: واژه آرای: چاره / واج آرای: چ
بازگردانی: ای همدم انسان های دلسوز، ما را یاری کن. ای درمان بدبختان، درد ما را درمان کن.
پیام: درخواست یاری

جز در تو، قبله نخواهیم ساخت گر نوازی تو، که خواهد نواخت؟

قلمرو زبانی: نواختن: نوازش و دلجویی کردن / پرسش انکاری
قلمرو ادبی: در، گر: جناس / نوازی، نواخت: همیشگی / واژه آرای: تو
بازگردانی: فقط از تو درخواست داریم. اگر تو به ما نیکی نکنی چه کسی ما را خواهد نواخت.
پیام: ناتوانی بنده در برابر یزدان

نظامی، مخزن الاسرار